

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۴/۲۹

صفحات: ۴۹ - ۷۰

## بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

فرهاد گرگیج

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی گروه روابط بین‌الملل، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

ضیاء خزایی\*

عضو هیأت علمی علوم سیاسی گروه روابط بین‌الملل، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

### چکیده

آب شیرین سطح زمین تنها سه درصد مجموع آبکره را تشکیل می‌دهد. دشواری شرایط هنگامی آشکار می‌شود که بدانیم پراکنش آب در نواحی مختلف نابرابر است و رشد فزاینده جمعیت و مصرف روزافزون آب در امور مختلف زمینه‌ساز پیدایش شرایط حساسی شده است که بسیاری از صاحب‌نظران از قرن بیست و یکم به عنوان سده هیدروپلیتیک یاد می‌کنند. بنابراین در مناسبات واحدهای سیاسی در مناطقی که میزان بارش اندک است، آب زمینه‌ساز پیدایش تنش‌های آینده خواهد شد. هدف از این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است بررسی تأثیر هیدروپلیتیک رودخانه هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم هیدروپلیتیک رودخانه هیرمند چه تأثیراتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه پژوهش عبارت است از به نظر می‌رسد که هیدروپلیتیک هیرمند در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه زیست محیطی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد و همکاری در حوزه مشترک هیرمند مستلزم توجه به رویکرد امنیت زیست محیطی و جستجوی راهکارهایی برای همکاری مشترک در چارچوب این رویکرد می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** هیدروپلیتیک، امنیت ملی، هیرمند، جمهوری اسلامی ایران.

## مقدمه

رقابت بین کشورها برای منابع آب مشترک و دستیابی به منابع آب شیرین، می‌تواند به دلیل تلاش کشورها برای دستیابی به امنیت ملی باشد. منابع آب کافی برای یک کشور به معنای توسعه در بخش کشاورزی، غذای کافی، رشد اقتصادی و رفاه عمومی است. امنیت آب به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک به امنیت ملی مربوط می‌شود.

در ارتباط با موضوع تأثیر هیدروپلیتیک رودخانه هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحقیقاتی صورت گرفته که برخی از آن‌ها به شرح ذیل می‌باشند: متقی و همکارانش (۱۳۹۷)، در مقاله خود با عنوان «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان در حوضه آبریز هریرود» به این نتیجه می‌رسد که شاخص‌های اهمیت هریرود برای آب آشامیدنی، امنیت غذایی، امنیت منابع آبی برای ایران و شاخص‌های اهمیت هریرود برای امنیت ملی، امنیت منابع آبی و انجام برنامه‌های توسعه اقتصادی برای افغانستان جزو شاخص‌های راهبردی محسوب می‌شوند. رستمی و نادری (۱۳۹۴) در پژوهش «بحران کم‌آبی و گسست در امنیت ملی» ضمن توضیح مکتب کپنهاک، به بررسی بحران زیست‌محیطی و بحران کم‌آبی در منطقه خاورمیانه و ایران، و رابطه بحران کم‌آبی و امنیت ملی می‌پردازد. عباس عراقچی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی آب از منازعه تا همکاری» راه‌حل واردات محصولات آب‌بر و استفاده از روش آب مجازی را برای کشورهای کم‌آب پیشنهاد می‌دهد. پارسا (۱۳۹۱) در پژوهش خود به دنبال پاسخگویی به سوال جایگاه دیپلماسی آبی (هیدروپلیتیک) رودخانه‌های مرزی ایران (اروندرو، هیرمند و هریرود) در مناسبات آینده ایران با کشورهای عراق و افغانستان می‌باشد. وحید سینائی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای در فصلنامه روابط خارجی با عنوان، هیدروپلیتیک امنیت و توسعه همکاری‌های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان می‌پردازد. حجازی (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان چالش‌های سیاست مشترک مرزی (هیدروپلیتیک) ایران با عراق و افغانستان، به نقش هنجارهای بین‌المللی و چالش‌های پیش‌رو در رودخانه‌های مذکور اشاره کرده است و آن را در امنیت انسانی ساکنین آن حوزه‌ها و استان‌های مرزی مجاور مؤثر دانسته است. حسین مختاری (۱۳۸۷) در مقاله‌اش به وضعیت کلی هیدروپلیتیک ایران پرداخته و تمایز میان فرادست بودن آبی در غرب و فرودست بودن در شرق را بیان می‌کند. همچنین به مشکلات احتمالی انتقال آب از یک محل به محل دیگر در صورت در نظر نگرفتن همه ابعاد سیاسی و امنیتی اشاره می‌کند.

به هرحال آب از مهمترین شاخص‌های امنیتی در کشورهای خاورمیانه است، به گونه‌ای که امروزه به عنوان یک ماده حیاتی و اساسی، در حال جایگزینی با نفت است. هم‌اینک در منطقه خاورمیانه، آب هم به عنوان یک عامل همگرایی و همکاری و هم به عنوان یک عامل تنش و جدایی مطرح شده است (اطاعت؛ ورزش، ۱۳۹۱: ۱۹۴). در طی چند دهه اخیر از سوی محافل سیاسی و نظامی توجه خاصی به مسأله آب و نقش آن در ایجاد امنیت یا بحران شده است چرا که؛ امنیت یکی از مباحث محوری در حوزه علم سیاست و حوزه سیاست‌گذاری در هر نظام سیاسی است که همواره از ابعاد مختلفی مورد تهدید قرار می‌گیرد. (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۱۹-۱۱۸). با توجه به مطالب فوق در این نوشتار، رودخانه هیرمند به عنوان یک رود بین‌المللی در منطقه خاورمیانه مورد توجه قرار گرفته است. آنچه موجب نوآوری این مقاله است این است که منابعی که مورد بررسی قرار گرفت هیچکدام به صورت مستقیم و همزمان به بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نپرداخته‌اند و به صورت کلی و غیرمستقیم اشاره‌ای به آن داشته‌اند. این پژوهش در پی آن است تا به بررسی مناسبات هیدروپلیتیک افغانستان با ایران در طول یک سده گذشته، بر مبنای استفاده ابزاری از عامل آب بپردازد. این موضوع دارای نوآوری بوده و باب پژوهشی در راستا رابطه آب و امنیت ملی خواهد گشود.

از این رو آنچه ضرورت و اهمیت بررسی این پژوهش را نشان می‌دهد این است که آب یکی از بزرگترین چالش‌های قرن حاضر بشریت است که می‌تواند سرمنشاء بسیاری از تحولات مثبت و منفی جهان قرار گیرد و بهره‌وری از آب‌های مرزی جنوب شرقی ایران جنبه هیدروپلیتیکی پیدا کرده است. این موضوع عملاً به یک اهرام اقتصادی-سیاسی در دست دولت افغانستان تبدیل شده است تا از آن در روابط سیاسی و موازنه قدرت با ایران استفاده کند. این ویژگی سبب شده است تا ایران در موقعیت فرو دست و نابرابر قرار گیرد؛ از این رو بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی ضروری می‌باشد.

## ۱- چهارچوب نظری: مکتب کپنهاک

تئوری‌های جدید در مطالعات امنیتی مانند مکتب کپنهاک، به رغم آن که امنیت ملی را مرکز ثقل و گرانیگاه مطالعات خود قرار داده‌اند، با این حال معتقدند که اگر دولتی نتواند امید به زندگی را در بین شهروندان تامین و تضمین کند، از لحاظ امنیت اجتماعی و امنیت عمومی فاقد کار آمدی باشد و امنیت اقتصادی و زیست محیطی را تامین ننماید، فاقد هرگونه امنیت ملی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —  
است. باری بوزان به عنوان نماینده مکتب کپنهاک معتقد است که امنیت دیگر مفهوم سنتی خود را که در چهارچوب مدل وستفالیایی بود، از دست داده و امروز امنیت چند بعدی شده است. بوزان معتقد است که امنیت ملی و بین‌المللی به وسیله‌ی امنیت منطقه‌ای، معنا و مفهوم می‌یابد. در نتیجه، سیاست خارجی مناسب هر کشوری با توجه به مکتب کپنهاک، سیاستی است که به امنیت چندبعدی، توجهی ویژه نماید و برای کسب امنیت ملی خویش، نگاه ویژه‌ای به امنیت منطقه‌ای خود داشته باشد. بر این اساس، سیاست خارجی به این دلیل باید به امنیت، نگاه چند بعدی داشته باشد. (عبدالله خانی (۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۲۸) آنچه به عنوان مکتب کپنهاک در مطالعات امنیتی خوانده می‌شود، بر سه انگاره اصلی متکی است: ۱) امنیتی کردن<sup>۱</sup>، ۲) بخش‌ها<sup>۲</sup>، ۳) مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای<sup>۳</sup>.

بخش‌ها، ارجاعی به تمایز میان امنیت اجتماعی، نظامی، زیست محیطی، سیاسی و اقتصادی است. مفهوم مجموعه‌های امنیتی نیز به اهمیت سطح منطقه‌ای در تحلیل امنیت می‌پردازد و اینکه، چگونه نگرانی‌ها و دغدغه‌های امنیتی با یکدیگر در بافتار یک «منطقه درهم تنیده» بررسی می‌شود. مجموعه‌های امنیتی به صورتی مجزا مورد بحث قرار می‌گیرد.

امنیتی کردن نظریه‌ای است که از سال ۱۹۹۰ به بعد در مکتب کپنهاک توسعه یافته است. همانطور که الی ویور معتقد است: «هدف نظریه امنیتی کردن، ساخت و ارائه نوعی تجزیه و تحلیل امنیت نو متعارف است که هسته سنتی مفهوم امنیت (بقا، تهدید وجودی) را مورد تردید قرار داده و به طور غیرجزمی در دو بخش غیر نظامی و غیر دولتی کاربرد دارد». برطبق نظر مکتب کپنهاک، فهم و درک روندهای فرهنگی امنیتی کردن ضروری است. از این رو، کنشگران مسائل را به مسابه تهدیدات برای امنیت برمی‌سازند. محیط امنیتی معاصر، به طور عمیقی از منظر این مکتب، به سیاسی کردن یک مسأله در پیوند است. سیاست‌های امنیت، صرفاً درمورد تهدیدهای از پیش تعیین شده نیست، بلکه عملی برجسته است و مسائل مشخصی را به مثابه تهدید آشکار می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۵).

در این زمینه امنیت به مفهومی ارجاع داده شده که جامعه یا مردم چیزی را به عنوان تهدید تعیین می‌کنند یا نه؟ این مشخصه، روندی است که تهدیدها در آن ساخته می‌شود. این طرز

- 
1. Securitisation
  2. Sectors
  3. Security complexes

\_\_\_\_\_ بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ◊  
تلقی تعریف امنیتی کردن را به عنوان «روندهای گفتمانی که از طریق آن یک فهم بیناذهنی درون جامعه سیاسی بر ساخته شده و برخی چیزها را به مثابه نوعی تهدید وجودی علیه مرجع مورد ارزش قلمداد می‌شود»، در نظر می‌گیرد. از این رو، امنیتی کردن برای فراخوان فوری و فوق‌العاده و به منظور اخذ اقدامات لازم برای مقابله با تهدید، کاربرد دارد (بوزان؛ ویور، ۱۳۸۸: ۴۹۱).

در چارچوب مفهوم امنیتی ساختن دو شرطی که می‌تواند موضوعی را امنیتی سازد عبارت است از گفتمان امنیتی ساز و شکستن قوانین و رویه‌های موجود گفتمان امنیتی ساز که خود شامل «کنشگران امنیت‌ساز» و «کنشگران کارآمد» می‌شود. کنشگران امنیت‌ساز، فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسأله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازند، کنشگران کارآمد صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند. از سوی دیگر کنشگر امنیت‌ساز تنها مرجع امنیتی ساختن یک موضوع می‌باشد و کنش کلامی نیز همین‌جا معنا می‌یابد و کنشگر کارآمد مانند یک مؤسسه مطالعاتی ایده پرداز در مسائل امنیتی است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۷).

## ۲- ویژگی‌های جغرافیایی رود هیرمند

نام رودخانه هیرمند از فارسی کهن و ترکیبی از کلمه «هیر» به معنی آب در فارسی پیش از اسلام و پسوند «مند» به معنای دارندگی و فراوانی است. بنابراین هیرمند به معنای رود سرشار از آب است. رودخانه هیرمند از نظر آبیاری منطقه سیستان، دلتا و اطراف رود و همچنین تغییر مسیر و انحراف آن و بخشی از مرز مشترک ایران و افغانستان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (پارسا، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

رودخانه هیرمند با حوضه آبریز ۱۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع از کوه بابا در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۱۰۵۰ کیلومتر به دریاچه هامون در منطقه سیستان ایران می‌ریزد. شیب جنوبی ارتفاعات افغانستان واقع در بخش‌های نیمه مرکزی و جنوبی این کشور منبع اصلی تامین آب رودخانه در طول سال می‌باشد، که در دو شاخه اصلی آن هیرمند و ارغنداب جاری است. دو سد مخزنی عمده افغانستان، ارغنداب و کجکی در همین ناحیه احداث شده است که حوضه آبریزی وسیع‌تر از ۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع دارند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۶).  
بخش سفلی هیرمند که تشکیل‌دهنده دلتای رودخانه در ناحیه سیستان می‌باشد گستره‌ای

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —  
به وسعت ۱۸۲۰۰ کیلومتر مربع دارد که ۴۰ درصد آن در خاک ایران است. این قسمت از چهار  
برجک آغاز شده تا دریاچه هامون ادامه می‌یابد. در منطقه دلتای رودخانه هیرمند به شاخه‌های  
متعددی تقسیم می‌گردد. جهت جریان هیرمند بعد از بند کمال خان در ناحیه دلتا به سمت  
شمال می‌باشد که در بند کوهک به دو شاخه پریان مشترک و سیستان تقسیم می‌گردد. که  
اولی وارد دریاچه هامون پوزک و دومی وارد هامون هیرمند می‌گردند. رود هیرمند در قسمتی از  
مسیر خود پس از بند کوهک مرز میان ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد بارش در ناحیه دلتا  
بسیار کم و تبخیر بالاست و آب مورد نیاز آن تماما از رود هیرمند تامین می‌گردد. بالا بودن  
میزان تبخیر و اتلاف زیاد آب بر اثر آن در منطقه دلتای هیرمند سیستان ایران و چخانسور  
افغانستان میزان آب مورد نیاز برای هر هکتار زمین کشاورزی در این قسمت را به شدت  
افزایش می‌دهد (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

رود هیرمند دارای رژیم آبدهی متغیر در طول سال می‌باشد به گونه‌ای که ۸۴ درصد  
جریان آب رودخانه مربوط به ماه‌های بهمن تا خرداد است. همچنین میزان آبدهی رودخانه در  
سال‌های مختلف به شدت تغییر می‌یابد (طرح جامع آب کشور حوضه آبریز رود هیرمند، ۱۳۷۸:  
۳۵).

### ۳- تاثیرات امنیتی هیرمند

براساس تعریف باری بوزان از امنیت ملی و مؤلفه‌های آن، یکی از مهمترین ابعاد آن، بعد  
زیست محیطی می‌شد. در این فصل به بررسی ابعاد زیست محیطی هیدروپلیتیک رودخانه  
هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. از بارزترین ابعاد زیست محیطی  
مناطق مرزی ایران و افغانستان، خشکسالی، بیابان‌زایی و شن‌های روان و بادهای موسمی ۱۲۰  
روزه است.

#### ۱-۳- بادهای ۱۲۰ روزه

در بین بادهای محلی ایران، باد ۱۲۰ روزه سیستان شهرتی بسزا دارد. این باد تقریباً از ۱۵  
خرداد تا ۱۵ شهریور بر بخش شرقی ایران حاکمیت می‌یابد که سرعت آن را بین ۱۱۰ تا ۱۷۰  
کیلومتر در ساعت با درجه حرارتی معادل ۵۷ درجه سانتی‌گراد تخمین زده‌اند (خسروی، ۱۳۶۸:  
۱۷۰). منطقه مورد مطالعه تاکنون در اثر این بادهای خسارات زیادی را متحمل شده است بنا به

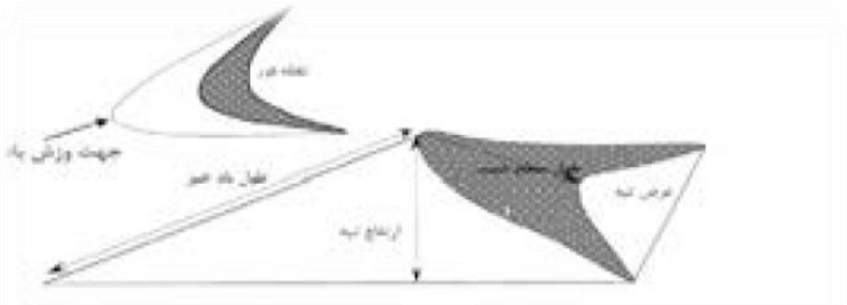
بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۵

نوشته دکتر علیچانی در کتاب آب و هوای ایران، باد ۱۲۰ روز از ارتفاعات شمال شرقی ایران به سرزمین‌های جنوب شرقی ایران می‌وزد. به گفته وی این بادهای در دامنه جنوبی البرز بسیار مطبوع و خنک است، اما پس از عبور از بیابان‌های خشک دشت کویر و دشت لوت بسیار گرم و خشک می‌شود به طوری که در سیستان و بلوچستان پوشش گیاهی را از بین می‌برد و خسارات جبران ناپذیری را به بار می‌آورد.

## ۲-۳- تأثیر بادهای ۱۲۰ روزه بر امنیت، اثر طوفان‌های ماسه و شن حاصل

### از بادهای ۱۲۰ روزه بر نیروهای نظامی

بیشترین فرآیندهای ژئومورفولوژیکی در این نواحی با توجه به نبود پوشش گیاهی مناسب و خشونت‌های آب و هوایی، از نوع فرایندهای فرسایشی باد (تراکمی و کاوشی) و فرآیندهای سیلابی و آبراهه‌ای است (عبادی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۴۷۰). عمده‌ترین مورفولوژی تشخیص داده شده در شمال و شرق سیستان، برخان و برخان‌های عرضی به هم پیوسته است، این برخان‌ها در حال حاضر فعال هستند و کلیه شرایط تشکیل آن‌ها در منطقه وجود دارد که حاکی از تحرک آن‌ها و وجود فرسایش بادی با شدت زیاد در منطقه است. تپه‌های ماسه‌ای منطقه به شکل برخان ناقص، برخان کامل و همچنین تپه‌های عرضی قابل مشاهده‌اند. مورفولوژی تپه‌های ماسه‌ای کوچک و بزرگ منطقه نشان از جهت باد غالب و فرساینده شمال و شمال غربی در منطقه دارد، چرا که شیب ملایم تپه‌های ماسه‌ای منطقه که عمدتاً برخان هستند، به طرف شمال و شمال غربی است و بازوهای آن‌ها به سمت جنوب شرق کشیده شده است. برخان‌ها در دشت‌ها می‌توانند با نقش استتار و اختفا مورد استفاده قرار بگیرند و هم در مواقع آفند و پدافند به عنوان سنگر و جان پناه، برخان‌ها بهترین نوع سنگرهای طبیعی در کویرها هستند به دلیل اینکه از سه جهت عدم پوشش تیر برای دشمن را دارد و فاصله بین عرض تپه، نقطه کور برای نیروهای نظامی به حساب می‌آید. در ضمن باید به این نکته توجه کرد که باید از دپو کردن مهمات و احداث چادرها در عرض برخان خودداری کرد زیرا نقطه کوری که در شکل مشخص است دقیقاً منطقه‌ای است که با وزش باد پیشروی خود را شروع می‌کند و در صورت بی‌دقتی و پیاده کردن تجهیزات در نقطه کور یا همان عرض تپه برخان باعث می‌شود شن‌های روان کل تجهیزات را بپوشاند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۶).



شکل ۱- شکل برخان‌ها

همچنین بررسی نیکاهای منطقه در کف دریاچه هامون سیستان تا انتها الیه جنوب شرقی در تمامی سطح عرصه مطالعاتی نشان از باد غالب و فرساینده شمال تا شمال غرب است، چرا که گسترش ماسه در پشت بوته‌ها، درختان، درختچه‌ها، دیوارها و ساختمان‌ها و کلیه موانع زنده و غیر زنده نشان جهت باد غالب در منطقه‌ی مورد بررسی است (نگارش، ۱۳۸۷: ۵۰). ساختار نیکا در منطقه می‌تواند مورد استفاده نظامی قرار گیرد زیرا از برخان‌ها، تپه‌های ماسه‌ای یا سیف‌ها نمی‌توان به‌عنوان سکو استفاده کرد اما از نیکاهای منطقه می‌توان به‌عنوان سکو یا محل‌های ثابت کردن پایه سلاح استفاده کرد.

سرعت حرکت نیروهای نظامی در منطقه سیستان به دلیل سستی زمین، کاهش می‌یابد، به خصوص در مواقع وزش بادهای شدید که کاهش دید هم اتفاق می‌افتد، این مسأله تشدید می‌شود. برای نیروهای نظامی و انتظامی نیز این عوارض به‌عنوان یک عارضه مثبت و منفی مطرح هستند؛ چرا که از یک سو به صورت طبیعی انسداد مرز را فراهم می‌کنند و از طرفی امکان کمین‌های مناسب را برای اشراک فرامی‌نمایند (عبادی، ۱۳۸۹: ۴۸۰). در شرق زابل هم موازی با مرز نزدیک به ۱۰ پاسگاه مرزی قرار دارد که تحت تأثیر بادهای ۱۲۰ روزه و حرکت ماسه‌های روان قرار دارند که از پاسگاه تاسوکی شروع می‌شود تا پاسگاه مرزی در نزدیکی شهرک کهک این پاسگاه‌های مرزی که فلسفه وجود آن‌ها حفاظت و حراست از مرز هستند در منطقه‌ای قرار دارند که مورد هجوم شن‌های روان قرار می‌گیرند به دلیل اینکه در غرب این ۱۰ پاسگاه، شرق و جنوب شرق شهر زابل منطقه عظیمی از زمین‌های ماسه‌زار و شن‌های متحرک قرار دارد. به همین دلیل در مدت وزش بادهای ۱۲۰ روزه یعنی از خردادماه تا شهریورماه زندگی را برای نیروی نظامی و انتظامی در این محیط به شدت سخت می‌کند



طوفان‌های ماسه و غبار، مشکلات زیادی را برای نیروهای امنیتی ایجاد می‌کند که باعث اختلال در عملکرد مطلوب آن‌ها می‌شود. این اختلال شامل: عبور گرد و غبار از چادرهای نظامی، انسداد جاده‌های، که با افزایش فاصله در امر پشتیبانی پایگاه‌های نظامی، مشکلاتی بروز می‌کند. همچنین طوفان‌های شن حاصل از بادهای ۱۲۰ روزه اسلحه‌ها را از کار می‌اندازند، دستگاه‌های نوری را خراب می‌کنند و اغذیه و نوشیدنی‌ها را آلوده می‌سازند و با تولید الکتریسیته باعث از کار افتادن قطب‌نماهای مغناطیسی می‌شوند. علاوه بر این، ماسه بر روی تجهیزات انبار شده می‌نشیند و علیرغم انجام اقدامات پیشگیرانه، از عمر مفید تجهیزات می‌کاهد، وزن محموله‌های لجستیکی را نسبتاً زیاد می‌کند و زندگی را برای افراد سخت و رقت بار می‌سازد. به طوری که غیر مستقیم در ایجاد بسیاری از ناراحتی‌های چشمی نظیر تراخم و گلوکرم و کراتیک شنی (۲۸ درصد نابینایی موجود در دشت سیستان را دربرمی‌گیرد) دخالت دارد به غیر از کوری و سایر بیماری‌های چشمی، بیماری‌های تنفسی نظیر آسم و عفونت‌های ناشی از فرو رفتن گرد و غبار به داخل شش‌ها از عوارض دیگر طوفان‌های شن و ماسه در منطقه است که عملکرد نیروهای نظامی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و سرعت عملیات را می‌کاهد و گاه آن را متوقف می‌گرداند (نگارش، ۱۳۸۸: ۸۱)

### ۳-۳- اثرات گرد و غبار بر تأسیسات زیر بنایی

راه‌های مواصلاتی که در مسیر دالان بادهای ۱۲۰ روزه قرار دارند، از جمله جاده‌های درجه یک، درجه دو و راه آهن‌ها در اثر حرکت شن‌های روان مسدود می‌شوند. انسداد راه‌ها باعث اختلال در حمل و نقل، ایجاد ترافیک، عدم خدمات رسانی به موقع می‌گردد و می‌بایست سریعاً به پاک‌سازی ماسه‌ها اقدام شود که خود هزینه زیادی در بردارد. با توجه به نقشه 1:50000 منطقه با عبور دو محور مهم و اساسی، زابل - حاجی آباد ملکی و جاده زابل - شندول این دو محور از منطقه سنزار و واحدهای ماسه‌های روان عبور می‌کند که در شرق شهر زابل قرار گرفته است؛ و همچنین رود نیاتک در میان این سنزارها عبور می‌کند. عبور این دو محور از میان این منطقه در زمان وزش بادهای ۱۲۰ روزه مشکلاتی را ایجاد می‌کند از قبیل انسداد جاده، ایجاد ترافیک که در نتیجه نهایی باعث عدم امنیت اقتصادی و اجتماعی در این دو محور می‌شود. یکی از تأسیسات مهم منطقه، کانال‌های آب رسانی است که سالانه حجم زیادی از

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

ماسه‌های بادی وارد این کانال‌ها می‌شود که نیاز به لایروبی دارد. گاهی تجمع ماسه‌های بادی در مسیر کانال‌های آبیاری به حدی زیاد است که سبب انحراف آب از مسیر اصلی و همچنین کاهش سرعت حرکت آب در کانال‌ها می‌گردد (زمردیان، ۱۳۶۷: ۶۷).

همچنین محاسبات میدانی مشخص نمود که مخازن آبی چاه نیمه که تنها منبع آب شرب مردم سیستان و شهر حدود ۹۰۰۰۰۰ نفری زاهدان است که عاملی مهم برای ماندگاری مردم در این منطقه به شمار می‌رود، در چند سال آینده مورد تهدید جدید شن‌های روان قرار خواهد گرفت، به طوری که طی ۱۵ سال ۵.۲۵۷.۴۰۸ تن و در طی یک سال ۳۵۰.۴۹۴ تن وارد چاه نیمه‌ها می‌شود چنانچه ورودی و خروجی بر اساس میزان آب قابل استفاده (۳۴۰ میلیون متر مکعب) انجام پذیرد کل رسوب حمل شده به مخازن بالغ بر ۵۵۷۱۰۰ تن در سال می‌گردد. حجم متناظر این مقدار رسوب در نامطمئن‌ترین شرایط ۳۴۸۱۸۸ متر مکعب است. اگر از هجوم شن‌ها و ماسه‌های روان به این مخازن جلوگیری نشود، موجودیت این منبع آب بسیار حساس و مهم به خطر خواهد افتاد و زندگی مردم این منطقه را با مشکل مواجه خواهد کرد. بنابراین، با توجه به حرکت تپه‌های ماسه‌ای به طرف جنوب شرق و چاه نیمه‌ها که تأمین کننده آب منطقه هستند در قسمت جنوب شرقی منطقه مورد مطالعه تا چند سال آینده مقصد نهایی تپه‌های ماسه‌ای خواهند بود که متأسفانه در صورت پر شدن مخازن چاه نیمه از رسوبات بادی، خطر و بحران عظیمی این سرزمین را تهدید خواهد نمود (نگارش، ۱۳۸۷: ۸۸).

#### ۴-۳- کاهش دید و لغو پروازها

یکی از معمولی‌ترین اثرات آلودگی هوا، کاهش میدان حاصل از جذب و تفرق نور بوده که دید ناشی از مواد جامد و مایع منتقله توسط هوا است که نه تنها از لحاظ زیباشناختی ناخوشایند است، بلکه ممکن است اثرات روان‌شناختی هم داشته باشد. در صورت کاهش میدان دید ایمنی به خطر می‌افتد. به طوری که با وقوع طوفان شن در منطقه، به دلیل غلظت ذرات گرد و خاک در هوا، دید افقی به سرعت کاهش می‌یابد (میری، ۱۳۸۸: ۳۳۴) و خسارت‌های عدیده‌ای به حمل و نقل هوایی و زمینی وارد می‌گردد، از قبیل آسیب به واحد باند، کنسل شدن و تأخیر در پروازهای هواپیماها، واحد برج، واحد مخابرات، واحد فنی، واحد مدیریت و واحد الکترونیک که در این بخش واحد الکترونیک بیشترین خسارت را متحمل می‌گردد (میری، ۱۳۸۸: ۳۲۹). با توجه با اینکه حداقل دید برای نشستن هواپیما در فرودگاه منطقه، ۳ الی ۴ کیلومتر است، اما در

بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۵

ماه‌های خرداد، تیر، مرداد، و شهریور که زمان وزش بادهای ۱۲۰ روزه است دید افقی به کمتر از ۱ کیلومتر می‌رسد و باعث لغو پروازها در این موقع از سال می‌شود. این عامل سبب شده است که هواپیما بر فراز آسمان ظاهر شود ولی به علت عدم دید کافی مجبور به بازگشت گردد (نگارش، ۱۳۸۸: ۸۰). در آمار سال ۱۳۸۷ به عینه مشخص است که بیشترین پروازهای کنسل شده و کمترین پروازهای انجام شده در منطقه در ماه‌هایی رخ داده است که بادهای ۱۲۰ روزه حاکم بر منطقه است. منطقه سیستان به دلیل هم‌مرزی با افغانستان و مسأله قاچاق مواد مخدر به داخل مرزهای کشور، نیاز به مراقبت‌های هوایی و زمینی بیشتری دارد. بر همین منوال کاهش دید علاوه بر اثرگذاری بر مسائل نظامی که موجب لغو پروازهای گشتی در منطقه مرزی سیستان می‌شود، باعث کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی در منطقه زابل می‌گردد



شکل ۲- نمودار میانگین دید افقی کمتر از ۱ کیلومتر و پروازهای هواپیمایی سیستان

#### ۵-۴- تخلیه مناطق مسکونی

توزیع ناهمگن جمعیت در سطح کشور و حضور جمعیت کم در واحد سطح در استانی مثل سیستان و بلوچستان، که از یک سو به کویر متصل هستند، و هرچه به کویر نزدیک‌تر می‌شویم، جمعیت کمتر می‌شود، دامنه جزیره غیر مسکونی کویر را گسترده‌تر کرده، امکان حضور نیروهای بیگانه به دور از چشم ساکنان محلی، نیروهای انتظامی و نظامی فراهم می‌نماید. نمونه بارز آن حضور نیروهای ایلات متحده آمریکا در طبس است. از طرفی اگر کم توجهی دست اندرکاران در حمایت از ساکنین بی‌بضاعت روستاهای حاشیه کویر منجر به خالی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

از سکنه شدن این نقاط گردد، اندک امکانات موجود برای زیست، این مکان‌ها را به مقر اشارار و قاچاقچیان و قانون‌گریزان تبدیل نموده و این مناطق به عنوان پایگاهی مطمئن برای دسترسی به سایر نقاط کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. در شرایطی که مرزها محل ناآرامی‌های نظامی، امنیتی و سیاسی باشد، جمعیت به تدریج از مناطق مرزی به محل‌های امن‌تری کوچ می‌کند و بار دیگر تراکم جمعیت در مناطق مرزی کمتر و ناپایداری جمعیت بیش‌تر می‌گردد. این پدیده در فرآیند توسعه و امنیت مناطق مرزی تأثیر منفی می‌گذارد. این پدیده در مرزهای ایران در مناطق مرزی مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان مشهود است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

مهمترین عواملی که موجب تهدید امنیت سیاسی و اجتماعی می‌شود، مسأله مهاجرت است. با توجه به اینکه پراکندگی جمعیت در شرق کمتر از غرب کشور است. به علت وابستگی تام حیات منطقه سیستان به آب دریاچه هامون، خشک شدن آن منجر به ایجاد طوفان شن گردیده و تأثیرات نامطلوب اجتماعی را به دنبال داشته است (سرتیپی پور، ۱۳۸۹: ۹۷). به گونه‌ای که سالانه حجم عظیم ماسه‌های بادی، روستاها و شهرهای منطقه مورد مطالعه را مورد هجوم خود قرار می‌دهند. در برخی از روستاها که در مسیر دالان بادهای ۱۲۰ روزه قرار دارند، مقدار حجم رسوبات به گونه‌ای است که سبب دفن واحدهای مسکونی شده و روستاییان ناچار به ترک خانه‌های خود می‌شوند (نگارش، ۱۳۸۸: ۸۷). مهاجرت در منطقه معمولاً به مناطق شهری یا به نواحی خارج از سطح خشکسالی است و یا مهاجرت ممکن است به کشورهای همسایه باشد که در این صورت مشکل آوارگان را ایجاد می‌کند. به هر حال پس از پایان خشکسالی و کم شدن اثرات طوفان شن این افراد به ندرت به محل زندگی‌شان بازمی‌گردند. از دیگر مواردی که موید اثرگذاری خشکسالی و طوفان‌های شن است، تخلیه آبدی‌هایی است که با افزایش روزهای گردوغباری روند تخلیه روستاها را تسریع بخشیده است.

هجوم ماسه به سمت روستاها به اندازه‌ای زندگی مردم را مختل کرده است که برخی از اهالی به دلیل عدم کسب درآمد مکفی و ناتوان در پرداخت هزینه‌های ساخت خانه‌ها با مصالح جدید، مجبور به ترک روستاهای خود شده‌اند. بنابراین مناطق روستایی منابع انسانی را از دست می‌دهند که این موضوع مشکل جدی را برای توسعه اقتصادی فراهم می‌کند و همچنین با خالی شدن روستاها تهدیدات امنیتی و اجتماعی در سطح منطقه‌ای و امنیت ملی شکل می‌گیرد. با حاکمیت شرایط سخت زندگی در هنگام وقوع طوفان شن و تهدید مناطق مسکونی

بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۵

و مزارع کشاورزی توسط این پدیده، بسیاری از مردم منطقه برای فرار از شرایط مذکور دست به مهاجرت زده و جمع کثیری از آن‌ها نیز برای تأمین معیشت خود به مشاغل کاذب از جمله قاچاق سوخت، قاچاق کالا و دوره‌گردی روی آورده‌اند. افراد مهاجر در شهرهای دیگر باعث فشار بر روی شالوده اجتماعی می‌گردند و فقر و اضطراب اجتماعی را افزایش داده و باعث شکل‌گیری مشکلات امنیتی و اجتماعی در شهرها می‌شوند (نگارش، ۱۳۸۸: ۸۷).

#### ۴- دلایل بروز خشکسالی‌های شدید و متناوب در سیستان

از نظر آب و هوایی سیستان با درجه حرارت نیمه استوایی جزو مناطق خشک آسیا به شمار می‌رود و با مناطق اطراف خود که دارای آب و هوای استپی، زمستان‌های مرطوب و تابستان‌های خشک هستند تفاوت دارد. از جمله مهمترین عواملی که باعث بروز خشکسالی شدید و پی در پی در سیستان می‌شود می‌توان به بارندگی کم و تبخیر زیاد، کم بودن عمق هامون‌ها، وابستگی تالاب به رودخانه مرزی هیرمند و بادخیز بودن منطقه اشاره نمود (سیدسجادی، ۱۳۸۲: ۱۲).

متوسط بارندگی دنیا ۷۵۰ میلی متر است. کمبود بارش به همراه تبخیر بسیار زیاد (۴۷۴۷ میلی متر در سال) و عمق کم دریاچه، باعث از دست رفتن سریع آب می‌گردد. متکی بودن حیات سیستان به رودخانه مرزی هیرمند که بین دو کشور ایران و افغانستان مشترک می‌باشد، از سال ۱۳۱۰ هجری شمسی چندین قرارداد بین دولت‌های دو کشور در مورد تقسیم آب هیرمند منعقد شد که متأسفانه بدلیل بی‌ثباتی حکومت در افغانستان، چندین دوره شاهد قطع آب هیرمند به ایران و ایجاد خشکسالی‌های شدید بوده‌ایم که اثرات زیانبار و اقتصادی و اجتماعی زیادی را به همراه داشته است. در بررسی پتانسیل باد در ۶۰ ایستگاه هواشناسی کشور، ایستگاه زابل بالاترین فراوانی و سرعت را به خود اختصاص داده است و بدلیل خشک بودن محیط، با میانگین تعداد ۸۰/۷ روز طوفانی در سال رتبه دوم طوفان‌های ماسه‌ای در قاره آسیا را داراست. منطقه سیستان از نظر مناطق تحت سیطره فرسایش بادی و فراوانی وقوع طوفان‌های غبارزا، نسبت به سایر مناطق بیشترین آسیب‌ها را متحمل می‌شود (جلیوند، ۶).

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

## ۱-۱-۴- اثرات خشکسالی بر محیط زیست تالاب هامون

اثرات نامطلوب و زیان‌بخش زیست‌محیطی تالاب هامون بر اثر خشکسالی‌های پی در پی را می‌توان در محورهای زیر مورد بررسی قرار داد:

- تشدید پدیده بیابان‌زایی و فرسایش بادی
- از بین رفتن گونه‌های مختلف گیاهی و مراتع دریاچه هامون
- از بین رفتن گونه‌های مختلف آبی و مهاجرت هزاران پرنده از منطقه
- شور شدن خاک
- 

## ۲-۴- تشدید پدیده بیابان‌زایی و فرسایش بادی

مهمترین پیامد خشکسالی تشدید پدیده بیابان‌زایی است که تبعات گسترده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی را به دنبال داشته است. با خشک شدن بستر وسیع تالاب هامون، خاک کف آن ترک خورده و تردد دام‌ها باعث لگد کوبی شدید بستر خشکیده دریاچه و افزایش فرسایش بادی در منطقه شده است. همچنین با توجه به هم‌مرز بودن با کشور افغانستان و قاچاق سوخت از شهر زابل به این کشور، بعضاً اتومبیل‌های حامل سوخت قاچاق در داخل دریاچه تردد و به تبع آن تخریب و فرسایش بیشتر را موجب شده‌اند.

## ۳-۴- از بین رفتن گونه‌های مختلف گیاهی و مراتع دریاچه هامون

از مهم‌ترین گونه‌های گیاهی دریاچه هامون نیزارها هستند. آنچه در قالب نیزار شناخته می‌شود، در واقع ترکیبی از چند گونه گیاهی از نی، لوئی، قمیش، هزارنی و جگن می‌باشد (منصوری؛ مجنونیان، ۱۳۶۴: ۵۷)، که به خاطر تراکم بیشتر نی نسبت به سایر گونه‌ها به نیزارها معروف شده است. لوئی جهت ساختن حصیر و یا قایق‌های سنتی (توتن) و گونه‌های قمیش، هزارنی و جگن به همراه گونه‌های بونی، بیشتر مورد چرای گوسفندان عشایر قرار می‌گیرد. خسارات وارده به مراتع و نیزارهای تالاب هامون طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۷ براساس مطالعات اداره کل منابع طبیعی استان سیستان و بلوچستان در جدول شماره ۱ نشان داده شده است (اداره کل منابع طبیعی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۳: ۱۵).

**جدول ۱: خسارات وارده به مراتع و نزارهای تالاب هامون (۱۳۸۳-۱۳۷۷)**

سال	میزان خسارات (میلیون ریال)
۱۳۷۷	۲۶۵۵۳/۲۷۵
۱۳۷۸	۵۸۸۷۲/۴۰۴
۱۳۷۹	۷۵۸۶۶/۵
۱۳۸۰	۱۵۱۷۳۳
۱۳۸۱	۱۰۱۷۳۳
۱۳۸۲	۲۲۷۵۹۹/۵
جمع	۹۱۹۹۵۷/۱۷۹

در طی دوره خشکسالی اثری از گیاهان آبی و حاشیه تالاب باقی نمانده و به جای آن‌ها گونه‌های مقاوم به خشکی و شوری نظیر چمن شور ساحلی، خارشتر، هندوانه ابوجهل، قلیا و سیاه شور مصری رشد و نمو نموده‌اند. این منابع در طول تاریخ هامون بر اثر خشکسالی چندین بار در معرض تخریب و مجدداً با بهبود شرایط احیا شده‌اند. با خشک شدن بستر دریاچه، عشایر منطقه در شرایط مطلوب حاشیه هامون زندگی می‌کردند به بستر دریاچه وارد شدند تا با جمع‌آوری سرشاخه‌های گز و شکستن و خرد کردن آن‌ها علوفه مورد نیاز دام‌های خویش را تأمین نمایند (جلیلود، ۷).

**۴-۴- از بین رفتن گونه‌های مختلف آبی و مهاجرت هزاران پرنده از منطقه**  
بر اثر خشکسالی و خشک شدن هامون تلف شدن آبزیان (ماهی‌ها، فیتوپلانکتون‌ها، زئوپلانکتون‌ها، وزغ‌ها و قورباغه‌ها) از یک سو و مهاجرت هزاران پرنده از سوی دیگر مشکلات زیست محیطی غیرقابل جبرانی را هم برای محیط زیست و هم برای صیادان تحمیل نمود. ۹۵ درصد از ۴۰۰ هزار قطعه انواع پرنده تالاب هامون، به خاطر بی‌آبی و خشکی این دریاچه برای همیشه زیستگاه خود را ترک کرده و یا برای همیشه نابود شده‌اند و دیگر به این تالاب باز نمی‌گردند (منصوری و مجنونیان، ۱۳۶۴: ۴۲).

#### **۴-۵- شور شدن خاک**

در طی خشکسالی‌های اخیر حرکت آب‌های شور لایه‌های زیرین به سطح، موجبات شوری خاک را فراهم‌نموده و باعث ظهور گیاهان شور پسند نظیر *Halostachys belangriana* در

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —  
تالاب و حاشیه تالاب شده است. مهمترین نقشی را که این گیاه بازی می‌کند جلوگیری از  
فرسایش خاک و به تله انداختن رسوبات بادی می‌باشد.

## ۵- تحلیل بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد نظری مکتب کپنهاک

امروزه کشورها ناگزیر به رویارویی و پاسخگویی به تهدیدات و چالش‌هایی هستند که پیش  
از این در ادبیات نمود و جایگاهی نداشتند. تهدیدات امنیتی غیرسنستی، توسعه، بقا و بهزیستس  
نوع بشر و دولت‌ها را با تهدیدات و چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند. بر این اساس، تهدیدات  
امنیتی غیرسنستی ذاتا غیرنظامی و فراملی هستند که در نتیجه جهانی شدن و انقلاب ارتباطات به  
سرعت پخش می‌شوند. بدین معنا تهدیدات غیرسنستی خطرناک‌تر از تهدیدات سنتی هستند زیرا:  
۱- این تهدیدات نهادهای حکومتی و جمعیت‌های غیرنظامی (مدنی) را تهدید می‌کنند و  
خاستگاه آن‌ها انسان غیردولتی و عوامل طبیعی است. از این‌رو، تهدیدات ممکن است نتیجه  
اعمال مشخص اشخاص و گروه‌های اجتماعی باشند تا اقدامات دولتی. بر این اساس، وقوع  
تهدیدات غیرسنستی، پیش‌بینی ناپذیر است و افزایش و تحرک و گسترش فعالیت افراد، شدت  
انتشار و تکثیر سریع آن‌ها را در جهان تشدید می‌کند.

۲- اثرات غیرمستقیم این امور می‌توانند موجب زیان‌های هنگفت اقتصادی برای منطقه یا  
کل جهان شود (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۹-۸۸).

یکی از حوزه‌های اصلی این تهدیدات غیرسنستی و جدید تهدیدات زیست محیطی است. شمار  
فزاینده‌ای از تهدیدات غیرسنستی زیست محیطی از قبیل تجارت مواد مخدر، تروریسم بیولوژیک،  
کاهش منابع، تغییر اقلیم، مهاجرت بی‌رویه، تشدید طوفان‌ها و سیلاب‌هایی که برآیند پوی‌های  
انسانو گرمایش جهانی به شمار می‌روند از جمله تحولات و تهدیدات دو دهه گذشته بوده‌اند که  
با خاستگاه‌های مختلف در سطوح ملی و بین‌المللی سربرآورده‌اند و پیش از این، طی تاریخ بشر  
بدین سان وجود نداشته به‌گونه‌ای که پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای کشورهای خاص یا جامعه  
بین‌الملل به دنبال داشته‌اند.

بنابراین مسائل زیست محیطی دولت‌ها را وادار کرده تا در همکاری‌های بین‌المللی بیشتر  
وارد شوند. دلیل آن هم این است که فرسایش زیست محیطی نوعی تهدید را به وجود آورده که  
نه تنها تهدیدی برای دولت‌هاست بلکه یک تهدید برای بشریت به‌عنوان یک کل است. در



بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ♦

همین راستا مسائل زیست محیطی در سال‌های اخیر همکاری‌های بین‌المللی بیشتری را به وجود آورده است. گسترش این تهدیدات زیست محیطی به گونه‌ای بوده که از یک سو سبب تشکیل رژیم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای زیست محیطی برای مقابله با اینگونه تهدیدات شده و از سوی دیگر نیز موجبات بازنگری در مفهوم امنیت را فراهم کرده است. از جمله مکاتبی که به بازنگری در مفهوم امنیت پرداخته و تعریفی موسع از این مفهوم ارائه کرده است مکتب کپنهاک است. این مکتب تلاش کرده است امنیت را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار دهد و طرح مفهوم امنیت زیست محیطی در همین راستا صورت گرفته است. رقابت بین کشورها برای منابع آب مشترک و دستیابی به منابع آب شیرین می‌تواند به دلیل تلاش کشورها برای دستیابی به امنیت ملی باشد. منابع آب کافی برای یک کشور به معنای توسعه در بخش کشاورزی، غذای کافی، رشد اقتصادی و رفاه عمومی است. امنیت آب به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک به امنیت ملی مربوط می‌شود. ایران به عنوان کشوری که در کمربند بیابانی دنیا واقع شده است و همچنین موقعیت جغرافیایی آن که دور از دریاها و آزاد قرار دارد، در اغلب مناطق کشور با آب و هوای خشک مواجه است. با توجه به موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران دسترسی به آب آشامیدنی به یکی از مسائل امنیتی تبدیل شده است؛ بنابراین، ایران یکی از مناطقی است که با سیاسی شدن موضوع آب مواجه است و به طور کلی منطقه خاورمیانه با این چالش روبرو خواهد بود و مسائل سیاسی و امنیتی مرتبط با آن می‌تواند این منطقه را بیشتر در معرض ناامنی قرار دهد (Sekkeravani, Chenari, Faraji, and Dashti, 2018: 69).

منطقه خاورمیانه با مشکلات ژئوپلیتیک بسیاری روبرو است و در مسائل مربوط به هیدروپلیتیک یکی از مناطق بحرانی در جهان محسوب می‌شود. در حال حاضر بسیاری از کشورها در منطقه با مشکل کم‌آبی مواجه هستند؛ سوریه، ایران، پاکستان و افغانستان از جمله این کشورها هستند (Nami & Mohammadpor, 2010:133).

هیرمند تنها منبع تأمین آب سیستان محسوب می‌شود؛ چرا که آب زیرزمینی یا به بیان دیگر آب‌های نیمه سطحی شور، نه تنها قابل استفاده نیستند، بلکه زیان‌آور نیز هستند. آب دریاچه هامون اگرچه شیرین است، به ندرت برای کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این وصف این دریاچه بیشتر جنبه‌های زیست‌محیطی داشته و منبع مطمئن و مناسبی در امر کشاورزی شمرده نمی‌شود. به هر حال منبع اصلی آب آن رودخانه هیرمند است. رودخانه سیستان، رودخانه پریان مشترک و رودخانه پریان داخلی که شاخه‌ای از پریان مشترک است،

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

اگرچه در خاک ایران جریان دارند، ولی هر سه مورد باید از رودخانه هیرمند تغذیه شوند. بنابراین جریان آب رودخانه هیرمند در دشت سیستان که تنها منبع عمده تأمین آب است به منزله جریان حیات اجتماعی اقتصادی آن بوده و هرگونه کاهش در میزان آب ورودی آن به ایران، حیات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرار داشتن سرچشمه‌های رودخانه هیرمند در فضای سرزمینی افغانستان، سبب شده است تا دولت افغانستان در دهه‌های گذشته از هیرمند به عنوان ابزاری سیاسی، سیاست خارجی و مواضع ایران را تحت نفوذ قرار داده و در مواقعی خاص امتیاز بگیرد. این در شرایطی است که ایران به طور عمده از راه هیرمند به منابع آبی خارج از مرزهای خود و به طور مشخص به افغانستان وابسته است و این امر نوعی چالش ژئوپلیتیکی برای ایران به‌شمار می‌رود. بیشتر جمعیت منطقه مورد مطالعه، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به جریان آب رودخانه هیرمند وابسته‌اند. تعدادی از سکونتگاه‌ها که وابستگی مستقیم به جریان آب هیرمند دارند، شامل آن دسته از سکونتگاه‌هایی می‌شود که از آب رودخانه هیرمند به وسیله نهرها و آبراهه‌ها برای فعالیت‌های کشاورزی استفاده می‌کنند. سکونتگاه‌هایی نیز به طور غیرمستقیم به جریان آب رودخانه هیرمند وابسته‌اند. این دسته شامل سکونتگاه‌هایی می‌شود که در اطراف هامون‌ها ساکن بوده و وابستگی زیادی به محصولات هامون‌ها داشته و دارند. نیزارها، علاوه بر تأمین علوفه دام‌ها و استفاده در تولید صنایع دستی به عنوان سوخت نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

شکلی برجای نمی‌ماند که در نتیجه خشک شدن هامون و قطع جریان آب هیرمند، نه تنها شکارچیان، بلکه صیادان سیستانی نیز با خشک شدن تالاب‌ها شغل خود را از دست داده و برخی از آن‌ها به نقاط دیگر کشور مهاجرت کردند. از بارزترین مسائل زیست محیطی مناطق مرزی ایران و افغانستان، موضوع خشک شدن هامون‌ها، شن‌های روان و بادهای موسمی ۱۲۰ روزه هست. مسئله هیرمند بین ایران و افغانستان طی سالیان متوالی همواره منشأ اختلاف بین مردم محلی و نیز دولت‌ها بوده است. در مسیر طولانی رود هیرمند تا دریاچه هامون، چندین ولایت افغانستان و نیز سیستان ایران قرار دارند که حیات همگی آن‌ها بستگی به آب این رود دارد. در پی طرح‌های سدسازی در افغانستان، این روند طبیعی به هم خورد و از این رو مسئله کمبود آب در بخش سیستان ایران به صورت یک بحران درآمد چنان که معلوم است تاکنون به دلیل جنگ و بحران در افغانستان هیچ‌کدام از قراردادهای توافق‌نامه‌ها جنبه اجرایی پیدا نکرده است. مهمتر اینکه حتی در دوره جدید و ثبات نسبی به وجود آمده در افغانستان، بازهم امید

چندانی وجود ندارد که مسئله آب هیرمند به صورتی عادلانه حل شود. بنابراین اختلافات ایران و افغانستان بر سر حقوق مربوط به آب هیرمند نقش پراهمیت و انکارپذیری در مناسبات دو کشور داشته و دارد و مانع جدی همکاری‌های آتی است. در هر حال، در یک قضاوت مقدماتی می‌توان گفت که مسئله آب هیرمند به دلیل پیامدهای مخرب زیست محیطی آن در مناطق مرزی دو کشور، به سهولت پیامدهای امنیتی و سیاسی خاص را رقم خواهد زد که غفلت از آن جایز نخواهد بود. بنابراین در این راستا قابل بررسی است که از میان موضوعات مربوط به هیدروپلیتیک در ایران می‌توان به رود هیرمند<sup>۱</sup> اشاره کرد که در مرز میان ایران و افغانستان واقع شده است. به علت عدم دستیابی به توافق دو کشور با چالش‌های هیدروپلیتیک بسیاری در این منطقه مواجه هستند. با توجه به اینکه رودخانه هیرمند در هر دو کشور ایران و افغانستان واقع شده است و بخشی از مرز دو کشور محسوب می‌شود، این رودخانه به یکی از مسائل مهم بین‌المللی تبدیل شده است. این رودخانه به طور کامل از خاک افغانستان نشأت می‌گیرد و این موضوع می‌تواند در مواقع بحرانی به تهدیدی علیه امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. بررسی روابط میان ایران و افغانستان نشان می‌دهد که با توجه به موقعیت برتر افغانستان در این زمینه، این کشور از موقعیت خود استفاده کرده و در مواقعی به جمهوری اسلامی ایران فشار آورده است. با توجه به اینکه ایران در این منطقه با مشکلات عدیده کمیابی آب در این منطقه مواجه است، کاهش سهم آب ایران در این رودخانه بر این مشکلات افزوده است و روابط دو کشور را با تنش مواجه نموده است. از جمله مشکلاتی که در نتیجه کمبود آب در جوامع مختلف بروز می‌کند، می‌توان به مشکلات اقتصادی و اجتماعی اشاره نمود. ایران نیز در منطقه سیستان و بلوچستان با مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری مواجه شده است. در نتیجه کاهش آب هیرمند بسیاری از روستائیان سیستانی شغل خود را از دست داده‌اند و به استان خراسان و سواحل شرقی دریای خزر مهاجرت کرده‌اند.

این موضوع می‌تواند مسائل امنیتی بسیاری در آینده برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد ( Davood Rezaei and other, 2018: 67-78 ) عدم پابندی طرف افغانی به معاهدات بین دو کشور در خصوص میزان دبی رودخانه هیرمند، ایجاد سد کمال خان و ایجاد بندهای انحرافی دیگر در مسیر رودخانه هیرمند توسط افغان‌ها و همچنین انجام یک

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —  
سری اقدامات مطالعه نشده امنیتی در منطقه توسط ایران از جمله ایجاد کانال و خاک ریز در خط مرزی در بخش هامون صابری باعث خشک شدن هامون‌ها و تشدید پدیده خشک سالی شده است که از آن می‌توان از مهم‌ترین پدیده زیست محیطی یادکرد این موضوع باعث بروز بسیاری پدیده‌های امنیتی شده است.

### نتیجه‌گیری

با بررسی این مقاله در قالب بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌توان نتایج زیر را برشمرد اولاً: آب یکی از بزرگترین چالش‌های قرن حاضر بشریت است که می‌تواند سرمنشاء بسیاری از تحولات مثبت و منفی جهان قرار گیرد. خلا بین توان تأمین آب و شدت تقاضا، بحران‌آفرین است. بنابراین افزایش تقاضا برای آب در قرن بیست و یکم، فشار بیشتری روی منابع آب وارد می‌کند و سیاستمداران و دولت‌ها مجبورند مسایل مربوط به آب را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند ثانیاً؛ هیروپولتیک هیرمند در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه زیست محیطی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد. لذا در جهت کاستن از تأثیرات منفی آن لازم است تا همکاری در حوزه مشترک هیرمند مستلزم توجه به رویکرد امنیت زیست محیطی و جستجوی راهکارهایی برای همکاری مشترک در چارچوب این رویکرد باشد ثالثاً؛ ماهیت مسئله تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان یک موضوع فنی و مرزی است، بنابراین باید برای غیرسیاسی کردن آن ازسوی دو طرف تلاش شود. سیاسی کردن مسئله تقسیم هیرمند موجب آسیب دیدن منافع ملی دو کشور شده و به نفع قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است که به دنبال بهره‌برداری از آن می‌باشند، همچنین مانع حل مسئله می‌شود.

## منابع

### الف: منابع فارسی

- اطاعت، جواد؛ ورزش، اسماعیل (۱۳۹۱)، هیدروپولیتیک هیرمند: دلایل، آثار و پیامدها، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰.
- صادقی، شمس‌الدین (۱۳۹۵)، هیدروپولیتیک و امنیت ملی، فصلنامه راهبرد، سال ۲۵، شماره ۱۸.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- بوزان، باری و الی ویور و پاپ دوویلا، (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پارسا، بهزاد (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی دیپلماسی آب بر روابط ایران با کشورهای همسایه شرقی و غربی (هیدروپلیتیک رودخانه‌های مرزی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵)، هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۴۵.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۴)، مناسبات هیدروپولیتیک ایران و افغانستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲)، هیرمند، منافع ملی در قرارگاه روابط منطقه‌ای، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال سوم، شماره ۱۱.
- خسروی، محمود (۱۳۶۸)، تأثیرات متقابل انسان و محیط، سمینار بررسی توان‌های طبیعی استان سیستان و بلوچستان با توجه به برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران.
- عبادی نژاد، علی (۱۳۸۹)، نقش عوارض ژئومورفولوژیکی در قاچاق مواد مخدر از مرزهای جنوب شرق کشور، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، دوره سوم.
- کریمی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۲)، تأثیر بادهای ۱۲۰ روزه بر امنیت منطقه سیستان، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۴، شماره دوم.
- نگارش، حسین (۱۳۸۷)، تحلیل ژئومورفولوژیکی روند پیشروی تپه‌های ماسه‌ای شرق دشت سیستان در خشکسالی‌های اخیر، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۲.

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
- زمردیان، محمدجعفر (۱۳۶۷)، ژئومورفولوژی ایران، مشهد: دانشگاه فردوسی.
  - میری، عباس (۱۳۸۸)، بررسی وقوع طوفان‌های گرد و خاک در منطقه سیستان پس از وقوع خشکسالی‌های تناوبی، فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، جلد ۱۶، شماره سوم.
  - سرتیبی پور، محسن (۱۳۸۹)، ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت‌گیری آتی، فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران، سال هشتم، شماره ۲۷.
  - جلیلود، رضا (۱۳۸۹)، ارزیابی مشکلات زیست محیطی تالاب هامون در اثر خشکسالی و تأثیراتش بر اقتصاد منطقه سیستان، ارائه شده در همایش مهندسی محیط زیست.
  - منصوری، جمشید؛ مجنونیان، هنریک (۱۳۶۴)، تالاب هامون پناهگاه حیات وحش هامون، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.

#### ب: منابع لاتین

- Nami, M.H. & Mohammadpour, A. (2010). Study the Hydropolitics of basins in the West Country Examples: Zab, Sirvan and Alvand. Journal of Geography and Regional Development, No. 14.
- Rezaei Sekkeravani, Davood. Samira Chenari, 3Marefat Faraji And seyed Farid Dashti (2018), Study The Iranian Hydropolitical Challenges In The Shared Drainage Basins With Neighboring Countries, Volume 23, Issue 3, Ver. 10 (March).